

## حقوق معاهدات و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۱۱/۲۳ - تاریخ تصویب ۱۳۹۶/۱/۲۳)

سیده منصور توکلی ثانی

کارشناس ارشد حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

منصور ثابت مقدم

هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

یوسف خرم فرهادی - ایرج رضایی نژاد

### چکیده

مفهوم امنیت ملی در ایران همواره عاملی موثر در پذیرش و یا عدم پذیرش بسیاری از تعهدات بین المللی بوده است. تعهداتی که در اکثر زمینه ها موافق با نوع ایدئولوژی حاکم بر جامعه، حکومت و نوع سیستم قانونگذاری ایران بوده است؛ لذا در بسیاری معاهدات گوناگونی در سطح بین المللی وجود دارد که موجبات برخورد امنیت ملی ایران را با تعهداتی که آن معاهده بوجود می آورد را در بر داشته که مانع از الحاق به آن معاهده و یا تصویب آن در مجلس شده است. این امر، موضوعی طبیعی است که کشورها، در راستای به عضویت در آمدن در معاهده ای یا پذیرش آن به امنیت ملی خود توجه کنند و از آن منظر به معاهده بنگرند اما اینکه مفهوم امنیت ملی ایران چیست و تا چه حد در طی سالیان اخیر و بخصوص بعد از انقلاب اسلامی تغییر یافته است؛ موضوعی مهمی است که می تواند مورد نقد قرار گیرد، تا با بررسی آن بصورت اجمالی در این پژوهش به شناختی درست از آن دست یابیم. از این رو، در این پژوهش سعی می شود تا با شناخت درست از مفهوم معاهدات، برخی از معاهدات منعقد شده را از منظر امنیت ملی ایران مورد بررسی قرار دهیم، که چگونه معاهدات در سطح بین المللی ممکن است با امنیت ملی ایران در تعارض باشد.

واژگان کلیدی: معاهدات - امنیت ملی - ایران - تعهدات - حقوق معاهدات



تاریخ بشر همواره بیانگر نگرانی بشر از ادوار گذشته و بسیار دور نسبت به موضوع امنیت و حفظ منافع است که همواره سعی می کرده است حتی در مواقعی که قصد دارد امتیازی را بدهد و تعهداتی را قبول نماید، به مفهوم امنیت و منافع کوتاه مدت و دراز مدت قبیله، شهر و حتی کشور خود بیاندهد و مانع از تسلط سایر طرف های آن تعهد یا معاهده برای همیشه بر علیه خودش شود. نمونه این گونه معاهدات را که در زمان های بسیار دور انجام می شده است را می توان در معاهده مروارید مشاهده نمود که در آن دو شهر بابل و لاگاش تعهد نمودند که در زمینه استرداد مجرمین و عدم حمله به یکدیگر مشارکت کنند. این معاهده به خوبی روشن می سازد که در زمان گذشته نیز، کشورها یا دولت کشورها؛ به اقتضای مفهوم امنیت و خواست های مورد نیازشان به انعقاد معاهده روی می آوردند، زیرا پس از انجام امورات مربوط به معاهده، ملزم به رعایت تعهدات ناشی از آن بوده اند.

از این رو در زمان حاضر نیز اینگونه است و مفهوم امنیت ملی کشورهاست که زمینه ساز به عضویت در آمدن، تصویب و یا الحاق به معاهده را موجب می شود و حتی می توان گفت امنیت ملی کشورها در بسیاری از مواقع اقتضاء می کند که کشورها، اصولاً معاهده ای را بوجود آورند.<sup>۴</sup> حال این مهم که؛ معاهده چه شرایطی باید داشته باشد و اینکه از کدام دسته از منابع حقوق بین الملل محسوب می شود، اختلاف نظر چندانی در سطح بین المللی میان کشورها وجود ندارد زیرا دیوان بین المللی دادگستری در اساسنامه خود به صراحت معاهدات را جزء منابع اصلی حقوق بین الملل بحساب آورده<sup>۵</sup> و از طرفی عهدنامه وین در خصوص حقوق معاهدات نیز بخوبی اصول و شرایط انعقاد یافتن یک معاهده را بیان داشته و کاملاً ضوابط آن را روشن ساخته است اما امری که در اینجا حائز اهمیت است، مفهوم امنیت ملی کشورها می باشد که در اثر وقوع انقلاب در آن کشورها، تحولات جهانی مانند فروپاشی شوروی، مسائل مهمی همچون جهانی شدن و تهدیدات زیست محیطی و حتی بنا بر نوع سیستم قانونگذاری هایشان ممکن است متغیر باشد که نمود آن در بسیاری از کشورها از جمله ایران طی دهه های اخیر بوضوح قابل مشاهده است. لذا در این مقاله سعی می شود تا با رویکردی حقوقی به شناسایی مفهوم کلی امنیت ملی ایران بپردازیم و برای همین منظور نیز برخی از معاهدات سیاسی،

<sup>۴</sup> . رمضان، روح الله، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی،

چاپ پنجم، ۱۳۸۶، صص ۸۱ - ۹۰

<sup>۵</sup> . اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، ماده ۳۸



نظامی و حقوقی را که ایران با در نظر گرفتن مفهوم امنیت ملی اش به عضویتشان درآمده یا درنیامده است را مورد بررسی قرار دهیم.

### بخش اول: مروری بر معاهدات گذشته

باید بیان داشت که در زمان قاجار و یا سلسله حکومت های قبل از پهلوی و حتی دوره پهلوی اول و دوم، عملاً معاهدات چند جانبه و یا بین المللی خاصی بین ایران با سایر کشورها منعقد نشده است و غالب قراردادهای و یا عهدنامه ها جنبه تحمیلی و اجباری را نسبت به ایران بدلیل ضعف سیاسی داشته است و موجب می شده تا ایران امتیازاتی را به سایر کشورها واگذار کند و بعدها به دلایلی همچون مشروطه، ملی کردن و یا اصدار یافتن فتوایی از سوی مراجع وقت آن زمان، ملغی اعلام شوند. اما در این میان بسیاری از معاهدات نیز بشدت امنیت ملی ایران را مورد تاثیر قرار میداند و موجبات به چالش کشیده شدن منافع ملی نیز می شدند که می توان از جمله آنها در دوران قاجار به قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس اشاره نمود.<sup>۶</sup> از جمله علل اصلی بروز اینگونه معاهدات و لطمه دیدن امنیت ملی کشور در آن زمان نبود سیستم قانونگذاری قوی بود تا در مقابل آن معاهدات ایستادگی نموده و مانع از به اجرا در آمدن آن شود.<sup>۷</sup> اگرچه در زمان پهلوی دوم وضعیت ارتقای مفهوم امنیت ملی تا حدودی بهبود یافت بلکه ایران سعی می نمود در معاهدات مختلف نقشی فعال داشته باشد؛ بلکه خود نیز در چندین مورد میزبان نشست هایی در خصوص تشکیل سازمان ملل همچون کنفرانس تهران<sup>۸</sup> و یا کنوانسیون تالاب های بین المللی در رامسر<sup>۹</sup> و یا اعلامیه حقوق بشری تهران در سال ۱۹۶۸ بوده



<sup>۶</sup> . این قرارداد که بین احمدشاه قاجار و انگلیسی ها منعقد شده بود در بردارنده امتیازات بالایی از جمله انحصار امور مالی و نظامی و راهی ایران به انگلیسی ها واگذار شده بود . در این معاهده دو جانبه و بسیاری دیگر از امثال این گونه معاهدات مانند قرارداد گلستان و یا ترکمنچای و یا قرارداد پاریس که منجر به جدایی افغانستان از خاک ایران شد؛ عملاً امنیت ملی ایران در آن زمان که بر پایه حفظ حاکمیت سیاسی و نظامی و سرزمینی استوار بود؛ کاملاً مورد نقض واقع گردید

<sup>۷</sup> . احمدی، حمید، قومیت و قوم گرایی در ایران، تهران، نشر نی، چاپ نهم، ۱۳۹۱ صص ۹۳-۹۴.

<sup>۸</sup> . این کنفرانس در سال ۱۹۴۲ در تهران با حضور رهبران سه کشور شوروی - انگلیس و آمریکا برگزار شد تا در خصوص چگونگی سازمانی جهانی تصمیم گیری کنند.

<sup>۹</sup> . این کنوانسیون در سال ۱۹۷۰ در شهرستان رامسر برگزار شد و از جمله مهمترین کنوانسیون های مهم بین المللی در زمینه تالاب ها بحساب می آید.



است.<sup>۱۰</sup> ارتقای امنیت ملی ایران و گسترش سطح تعاملات و انعقاد کردن معاهدات بین‌المللی اش حتی موجب شد تا ایران از جمله اعضای اصلی و مؤسس سازمان کنفرانس اسلامی که در سال ۱۹۶۹ که در رباط مراکش آغاز بکار کرده بود، بحساب آید<sup>۱۱</sup> و عملاً امنیت ملی ایران نسبت به دوره‌های گذشته در زمینه حقوق معاهدات بهتر تضمین شود. لذا با پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ احساس می‌شود که تأکیدات بیشتری با تمرکزیت یافتن اسلام و احکام اسلامی در مفهوم امنیت ملی ایران رسوخ پیدا کرده است که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

الف: شناسایی مفهوم امنیت ملی: شناخت مفهوم و مصادیق امنیت ملی و تهدیدات آن نیازمند بررسی دلایل متعددی است و با دشواری زیادی مواجه است، زیرا مفهوم آن از کشوری به کشور دیگر و حتی از دوره‌ای به دوره دیگر می‌تواند متفاوت باشد.<sup>۱۲</sup> لذا نویسنده بر این باور است که در تبیین و تغییر امنیت ملی در کشورهای جهان سوم به علت وضعیت سیاسی - اقتصادی حاکم بر آنها در تعریف امنیت ملی، به بُعد داخلی آن توجه می‌شود و تهدیدات درونی در اولویت قرار می‌گیرد و تعریف متفاوتی با مفهوم امنیت ملی کشورهای توسعه یافته که بیشتر، امنیت ملی خود را در سطوح بین‌المللی و چندجانبه مشاهده می‌کنند وجود دارد. از این رو در کنار تعبیر امنیت ملی از اصطلاحاتی همچون منافع ملی، منافع حیاتی، ارزشهای اساسی یک دولت یا ملت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز استفاده می‌شود، که فهم همه آنها مهم است. نباید فراموش نمود که در تعریف درست و حقوقی از امنیت ملی، سیاست کشورها نقش موثری را دارد زیرا پیش از جنگ جهانی دوم مسأله اصلی امنیت ملی کشورها، امنیت نظامی بود و کشورها سیاست خودشان را بیشتر منعطف آن می‌نمودند. در آن زمان مناسبات بین کشورها اساساً با فرضیات اندیشمندان موسوم به واقع‌گرایی سنجیده می‌شد که معتقد بودند؛ مناسبات جهانی در درجه اول صحنه مبارزه بر سر قدرت است و این مبارزه بر خلاف مبارزه سیاسی در داخل کشور، اساساً متکی به قهر سازمان یافته است. این نظر واقع‌گرایان مبتنی بر سه فرضیه است<sup>۱۳</sup>:

<sup>۱۰</sup> . اگرچه امروزه به اعلامیه حقوق بشری تهران در سطح منطقه ای و یا بین‌المللی چندان توجهی نمی‌شود و مورد استناد قرار نمی‌گیرد، اما این اعلامیه که در سال ۱۹۶۳ با تدوین نمودن ۱۹ ماده، اقدامی جدی در گسترش یافتن پابندی به رعایت نمودن حقوق بشر در سطح بین‌المللی داشته است.

<sup>۱۱</sup> . موسی زاده، رضا، سازمان‌های بین‌المللی، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۸، ص ۲۵۶

<sup>۱۲</sup> . رضائی، روح‌الله، پیشین، صص ۳۰ - ۳۱.

<sup>۱۳</sup> . Martin, Crereld van, "The transformtion of war", New York, *The free Press*, vol ۲, ۱۹۹۱, p. ۴۹

۱) در مناسبات بین‌المللی دولتها بازیگر اصلی هستند

۲) قدرت قهر مؤثرترین وسیله در مناسبات بین‌المللی است

۳) مهمترین مسأله در سیاست بین‌الملل، امنیت نظامی است و مسائل اقتصادی و سیاسی در محاسبات

امنیتی کشورها جزء مسائل درجه دوم است.

همچنین واقع‌گرایان معتقدند که نمی‌توان امنیت یک کشور را براساس نیت و مقاصد کشورهای دیگر، ترسیم کرد؛ بخاطر اینکه پیش‌بینی نیت و مقاصد دیگران کار بسیار دشواری است، پس تنها راهی که برای حفظ امنیت باقی می‌ماند؛ موازنه قوا و تقویت نیروهای نظامی و برداشت و درکی درست از مفاهیم امنیت ملی داخلی هر کشور است. چرا که عدم توازن، کشور قدرتمند را برای تجاوز به کشورهای ضعیف و سوسه می‌کند و موجب سوء استفاده از قدرت و تعدی خواهد شد.<sup>۱۴</sup>

باید گفت که در برداشت سنتی که مکتب فکری واقع‌گرایی مبین آن است، سیاست بین‌الملل همانند دیگر سیاست‌ها، مبارزه است برای قدرت، اما نه مشابه اقتدار مشروع در سیاست داخلی، بلکه از طریق بکارگیری خشونت سازمان یافته<sup>۱۵</sup> و این خشونت سازمان یافته است که مفهوم امنیت ملی را می‌سازد. حتی در گذشته نیز از اواسط دوران جنگ سرد به تدریج بر ابعاد امنیت ملی افزوده شد و بگونه‌ای تغییراتی در مفهوم صرفاً نظامی امنیت ملی دیده می‌شود، بطوریکه برژینسکی ماهیت امنیت ملی را «چند بعدی»<sup>۱۶</sup> دانسته و اظهار می‌دارد:<sup>۱۷</sup> «منظور من از امنیت ملی، معنی محدود آن، یعنی امنیت نظامی صرف نیست. گرچه قدرت نظامی یکی از ابعاد مهم رقابت تاریخی آمریکا و شوروی است؛ در عوض معتقدم که امنیت ملی ملاحظات بیشتری در برمی‌گیرد؛ از جمله زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری تکنولوژیک، حیات ایدئولوژیک و غیره تلاش برای نیل به امنیت ملی بدون عنایت ملاحظات چندان مؤثر نخواهد بود و احتمالاً به شکست می‌انجامد.»



<sup>۱۴</sup> . سیمیر، رضا، تحول در نظام بین‌الملل و کار ویژه‌های ملت - دولت، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۵، پانز ۱۳۸۰، ص ۶۹۹

<sup>۱۵</sup> . Evan, Luard, The Globalization of politics: The changed focus of Political Action in the modern world, Macmillan, ۱۹۹۰, p. ۵۰.

<sup>۱۶</sup> . MULTI - DIMENSIONA

<sup>۱۷</sup> . Alexander, kiss, and Shelton, Dinah, International Environment law, New York, Transnational Publishig, Co, ۱۹۹۷, p. ۵۴۱ .



حال با توجه به همه این اوصاف می‌توان امنیت ملی را با توجه به مفهوم حقوقی و با در نظر داشتن موجبات تاثیرگذار سیاسی (با توجه به مفهوم امنیت ملی کشورهای جهان سومی همچون ایران)، اینگونه تعریف نمود:

مجموعه ای از اصول و باورها و نیازها و ایدئولوژی‌های حاکم بر جامعه و میزان قدرت بالقوه و بالفعل هر کشور که تلاش می‌کند تا با توجه به شرایط موجود و تجربیات گذشته، ارزیابی دقیقی از اقدامات خود در عرصه بین‌المللی و حتی داخلی داشته باشد تا بتواند منافع ملی و مردم خود را بهتر حفظ و تضمین نماید. لذا این امنیت ملی درگیر با معاهدات و موافقت‌نامه‌های مختلفی است که کشورها آن را می‌پذیرند یا بر آنها تحمیل می‌شود.

با توجه به موضوعات بیان شده نباید این نکته را نیز فراموش نمود که دیگر مطابق گذشته کشورها دارای حاکمیت مطلق در سطح داخلی نیستند و حدود اختیاراتشان بسیار محدود شده و اگرچه مطابق قوانین و اسناد حقوق بین‌الملل همچون عهدنامه حقوق معاهدات وین، اصل نسبی بودن معاهدات به رسمیت شناخته شده است<sup>۱۸</sup>؛ اما امروزه بسیاری از قوانین جنبه امری پیدا می‌کنند و با به عضویت درآمدن و یا به تصویب رسیدن در تعداد معینی از کشورها جنبه الزام آور و امری را پیدا می‌کنند تا کنون نمود آن در بسیاری از قواعد بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل متحد دیده شده است<sup>۱۹</sup>؛ که امروزه همین موضوع با گسترش پیدا کردنش، استثنائاتی را بر نقش فعالانه امنیت ملی کشورها در بعد کلان و سابق آن بوجود آورده است و مانع از برقراری تعامل جدی و فعالانه آن در زمینه حقوق معاهدات شده است. لذا این موضوع بر امنیت ملی کشورهایی همچون ایران نیز تاثیر می‌گذارد و موجبات تاثیرپذیری اش را مهیا می‌سازد.

### بخش دوم: جایگاه امنیت ملی در معاهدات حقوقی

۱. رفع تبعیض علیه زنان (کنوانسیون ۱۹۷۹)

در سال ۱۹۷۴ کمیسیون مقام زن تنظیم پیش نویس کنوانسیون حذف تبعیض علیه زنان را آغاز کرد. کنفرانس جهانی سال بین‌المللی زن که در سال ۱۹۷۵ منعقد شد، کمیسیون را در انجام این کار تشویق نمود. کنفرانس برنامه کاری<sup>۲۰</sup> را تحت عنوان کنوانسیون حذف تبعیض علیه زنان، با روشهای

<sup>۱۸</sup>. معاهده ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، ماده ۳۴

<sup>۱۹</sup>. منشور سازمان ملل متحد، فصل ۷

<sup>۲۰</sup>. plan of action

موثر برای اجرای آن، تصویب نمود. به هر حال کمیسیون مقام زن کار تنظیم کنوانسیون را دنبال نمود و در سال ۱۹۷۷ پیش نویس تهیه شده را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم کرد. مجمع عمومی، گروه کاری ویژه ای را جهت تنظیم نهایی پیش نویس کنوانسیون مامور کرد و سرانجام در دسامبر ۱۹۷۹ طرح مزبور به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید.<sup>۲۱</sup> پس از تصویب این کنوانسیون، واکنش کشورهای جهان و بخصوص کشورهای اسلامی در برخورد با چنین مسائلی که حتی در صورت هماهنگی نبودن در الحاق میتوانست آثار بدی بر روی اسلام بگذارد؛ بسیار تعجب آور بود زیرا از مجموع ۵۲ کشور اسلامی عضو سازمان ملل، دولت افغانستان آن را امضاء و ۲۹ دولت دیگر آن را تصویب کردند و بدان ملحق شده اند. کشورهای اسلامی استقبالی خوبی از این کنوانسیون که اهداف مختلف و پنهانی را در دراز مدت برنامه ریزی کرده است تا کشورهای اسلامی را از فرهنگ و قوانین اسلامی خودشان دور کند؛ نشان داده اند. بسیاری از کشورهای اسلامی نیز تلاش کردند تا با اعمال حق شرط پیش بینی شده در کنوانسیون رفع تبعیض و در راستای حق قانونی شان در پرتو مفاد کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در زمینه قراردادها<sup>۲۲</sup>، هنگام الحاق یا تصویب این کنوانسیون از حق شرط استفاده کنند و برخی از مواد نامرتبط با حقوق داخلی شان را که عمدتاً برگرفته از اسلام است را تخصیص بزنند اما بر اساس کنوانسیون زن؛ این تخصیص ها و حق شرط ها نباید مغایر با مواد کنوانسیون باشد.<sup>۲۳</sup>

روح کلی حاکم بر کنوانسیون نیز، تساوی زن و مرد از جمیع جهات و رفع محدودیت های مبتنی بر جنسیت است. شعار تنظیم کنندگان کنوانسیون، تساوی کامل زن و مرد و زدودن هر نوع تبعیض و تغییر نقش های به اصطلاح کلیشه ای زنان است. ایران مفاد و مواد این کنوانسیون را بگونه ای خاص و در مقابل امنیت ملی خود و از دریچه دین و آموزه های دینی و اخلاقی می نگرد و سعی می کند تا از آثار و لوازم این تساوی مطلق، که حذف حجاب به عنوان عامل محدودیت زنان و برداشتن نقش مادری در دوره بارداری و شیر دهی و تربیت و حضانت کودکان و نفی وظایف همسری زن در قبال شوهر است، غافل نباشد. لذا از نظر ایران، در خانواده ای که طبق اهداف و توصیه های کنوانسیون

<sup>۲۱</sup>. Human rights : Discrimination against women : the convention and the committee fact sheet no .۲۲ united nation : geneva . gunuavary ۱۹۹۵ .

<sup>۲۲</sup> . کنوانسیون حقوق معاهدات، ماده ۱۹

<sup>۲۳</sup> . کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض و خشونت علیه زنان ، ماده ۲۸ ، بند ۲





تشکیل می‌شود، همه چیز با خانواده ای که طبق اهداف قرآن کریم، تشکیل میشود مغایرت دارد. خانواده کنوانسیون، استحکام و صمیمیت و تعاون ندارد و فرزندان در این خانواده بی روح، برخوردار از نشاط و شادابی نیستند و عاطفه و شیر مادر، غذای جسم و جان آنها نیست، حال آن که در خانواده قرآن، استحکام و صمیمیت و تعاون حاکم است و اطفال، با نشاط و شادابی زندگی می‌کنند و شیر و عاطفه مادر، جسم و جان آنها را تغذیه و اشباع می‌کند. در خانواده کنوانسیون، زن بی پناه و سرگردان است و مرد از کرسی مردانگی فرو غلتیده و جسم و جانش در منجلاب متعفن فمینیسم بیمار است و این بیمار فرسوده، هرگز نمیتواند پناهگاه همسر و فرزندان باشد و به آنها امید و اطمینان بخشد زیرا هیچکدام از زن و مرد جایگاه درستی ندارند و وظایفشان بدلیل و به بهانه مساوی سازی، مشتبه شده و در هم ادغام یافته؛ بگونه ای که در این بین بیشترین آسیب را فرزندان و جامعه میبینند.<sup>۲۴</sup>

به هر حال، می‌توان گفت که تفاوت‌های زن و مرد تناسبی است و به نسبت ذات و کرامتی که باید داشته باشند، احکامی در خصوصشان وضع شده است، و این وضعیت نه نقض و نه تبعیض علیه آنهاست.<sup>۲۵</sup> از منظر آموزه های دینی این امور مقرر در محدود نمودن زن در برخی از امور که به منظور داشتن جامعه ای آرمانی و بدور از نارضایتی و ناهنجاری است، در حالی است که زن در سایر مسائل اجتماعی دارای نقشی پررنگ است و حتی در جهاد با مردان شرکت میکند و در تشکیلات اداره یک حکومت اسلامی پستهای اساسی و کلیدی را برعهده میگیرد و بخوبی امور را انجام میدهد و همین موضوع از جمله اموری است که مورد اعتراض ایران برای پیوستن به این کنوانسیون است زیرا می‌پندارد که این کنوانسیون احکام دین را معطل می‌گذارد و دلیل وضع شدن بسیاری از تفاوت های حقوقی و مسئولیتی میان زن و مرد را زیر سوال می‌برد که همین موضوع خلاف قانون اساسی این کشور و حتی امنیت ملی آن در دراز مدت است، زیرا موضوعی که خلاف قانون اساسی ایران باشد، به طریق صریح و ضمنی بر مفهوم امنیت ملی نیز تاثیر می‌گذارد.

حال با توجه به مطالبی که بیان شد؛ مضار الحاق به این کنوانسیون (با توجه به مفهوم امنیت ملی ایران) بگونه ای است که می‌توان آن را در موارد زیر احصاء نمود:

۱. اعتراض مکرر دول طرف معاهده نسبت به حق شرط یا عدم اجرای مفاد کنوانسیون در ایران

<sup>۲۴</sup> . بهشتی ، احمد ، خانواده در قرآن ، انتشارات بوستان کتاب ، چاپ یازدهم ۱۳۸۸ ، ص ۲۳

<sup>۲۵</sup> . علامه طباطبایی ، حسین ، تفسیر المیزان ، قم ، انتشارات داراسلام ، جلد ۴ ، ص ۳۵۹



۲. عدم امکان استفاده از حق شرط به نحوی که مغایر ماده ۲۴ و ۲۸ کنوانسیون نباشد، زیرا تحقق کامل همه موادی که روح کلی حاکم بر آن، تساوی از جمیع جهات است را می‌خواهد
۳. مرحله بعد از الحاق، توجیه شرط ها و پاسخگویی به اعتراضات دول، در صورت امکان توجیه حق شرط ها که از محالات است (بعضاً با مسلمات فقه و آیات قرآن کریم در تعارض است).
۴. تدوین گزارش ملی دوره ای که بلافاصله در سال اول، ایران ملزم به دادن گزارشی مبنی بر:
- الف) تغییر قوانین اصولی و کلی نظام (ب) تغییر ضوابط و آئین نامه های اجرایی مربوطه
- الف) تغییر عملی در وضعیت زنان در کل مراکز به کمیته های مربوطه ارائه دهیم و ثابت کنیم گامهایی در رفع تبعیض مورد نظر آنها برداشته ایم.
۵. تطبیق این گزارش با گزارش های آژانس های تخصصی سازمان ملل در ایران و منطقه و ترجیح آن گزارش ها بر گزارش ملی ایران.
۶. بررسی دفاعیات گزارشگر اعزامی و پاسخ های او در موارد متعارض با کنوانسیون و زیر سوال بردن موضع اصولی ایران که مغایرت مبنایی دارد.
۷. وجود قطعنامه های مکرر، مبنی بر اعتراض دول عضو به حق شرط ها با نادیده گرفتن تعهدات بین المللی و عدم اجرای کنوانسیون که باعث پس گرفتن حق شرط ها و اعلام عقب نشینی و ضعف دولت خواهد بود. در نهایت ایران برای حفظ اقتدار ملی، که بسیار تاثیرگذار بر مفهوم امنیت ملی ایران می باشد، عدم الحاق و غیر متعهد بودن، نسبت به کنوانسیون را پذیرفت زیرا الحاق دارای تعهداتی می باشد و آنها موجب می شوند تا این تعهدات به عنوان اهرم فشار غیرمستقیم علیه ایران، بکار گرفته شوند. به هر صورت در اینکه کنوانسیون هدف والایی در رفع ظلم و تبعیض ناروا علیه زنان را دنبال میکند و مقررات خوبی در مواد گوناگون دارد، هیچ جای بحث نیست اما بسیار بعید بنظر میرسد که تمام مباحث پیش بینی شده و مورد بحث در کنوانسیون از منظر نظام های حقوقی و تعاریف مختلفی که می شود، مفید به نظر رسد و مخالفت هایی با توجه به مفاهیم امنیت ملی کشورها صورت نگیرد و مواعی را در راستای عضویت بوجود نیآورد.
۲. حقوق دریاها (کنوانسیون ۱۹۸۲)

آرزوی دیرینه جامعه جهانی بالاخره در سال ۱۹۸۲ جامعه عمل پوشانیده شد و کنوانسیون حقوق دریاها به شکلی کامل تر از قبل درآمد و بسیاری از ضعف های آن مرتفع شد تا آنجا که بسیاری از





کشورها آن را تصویب و یا امضاء نمودند. ایران نیز که از دیر باز تمایل به محدودیت رفت و آمد شناورهای جنگی بیگانه در خلیج فارس و دریای عمان را با توجه به امنیت ملی خود داشت؛ و اصرار می نمود تا حضور نظامی مستمر بیگانگان در خلیج فارس که مستلزم عبور از تنگه هرمز است ضرورتی ندارد و باید شکل نظام مندی را پیدا کند، از تصویب نهایی آن اجتناب نمود. از طرفی بدلیل اینکه تنگه هرمز، آبهای آزاد اقیانوس هند و دریای عمان را به منطقه انحصاری اقتصادی خلیج فارس متصل می کند، اهمیت این منطقه و تبعات تسری یافتن کنوانسیون دریاها را بیشتر نمود زیرا این دریای بسته با توجه به مفاد کنوانسیون ۱۹۸۲ می تواند مشمول تعریف کنوانسیون درباره تنگه های بین المللی قرار بگیرد تابع رژیم حقوقی آن شود.

طبق ماده ۱۶ کنوانسیون ۱۹۵۸ نظام تنگه ها تابع اصل عبور بی ضرر بود با این تفاوت که چنین عبوری از طرف دولت ساحلی قابل تعلیق نبود و به نظر می رسد این منع تعلیق مستند به اصل آزادی دریانوردی در آبهای آزاد باشد.<sup>۲۶</sup> این حکم در قضیه تنگه کورفو تأیید شده است و نقطه توازن در میان نظرات حقوقی به شمار می آید.<sup>۲۷</sup> اما در ماده ۳۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ نظام ترانزیت برای تنگه ها پذیرفته شد. این بار نیز مستند اصلی برای گسترش دریانوردی در تنگه ها، حق دسترسی به دریای آزاد و آزادی دریانوردی بود چنانکه نماینده شوروی در کنفرانس کاراکاس اظهار نمود: «پذیرش رژیم عبور بی ضرر در مورد تنگه های بین المللی ممکن است تجارت بین المللی را به زیان کشورهای خاصی به طور اخص و به زیان جامعه جهانی به طور اعم به مخاطره اندازد... زیرا در واقع حق دسترسی به دریای آزاد بدون آزادی عبور از تنگه ها عملاً بی ارزش است»<sup>۲۸</sup>.

لذا این موضوعات موجب شد تا ایران بیش از پیش در خصوص امنیت ملی خود و حضور کشتی های بیگانگان و داشتن حق عبور ترانزیت آنها از تنگه، احساس ناامنی و به خطر افتادن امنیت ملی را در زمینه دفاعی و سیاسی احساس کند تا آنجا که همواره تلاش نموده، تا با اصدار اعلامیه های تفسیری یکجانبه و دوجانبه با کشور عمان (این کشور نیز عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ نیست)، مانع از قطعی شدن موجبات تسلط و عبور دائمی کشتی های جنگی و نظامی خارجی در منطقه شود.

<sup>۲۶</sup> . دولتیار، مصطفی، رژیم حقوقی تنگه های بین المللی - با تأکید بر مسائل حقوقی تنگه هرمز، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۸.

<sup>۲۷</sup> . چرچیل، رابین - لو، آلن، حقوق بین الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی، تهران، گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۹۰، ص ۱۵۰.

<sup>۲۸</sup> . همان، ص ۲۳.

در حال حاضر هم عملاً به نظر می‌رسد عبور ترانزیتی از قسمتهای خارج از دریای سرزمینی در تنگه هرمز روی می‌دهد و دولت ایران اعتراضی به این امر ندارد و با رویکردی نسبتاً متفاوت نسبت به گذشته، به «حضور پیوسته نیروهای نظامی بیگانه در خلیج فارس» معترض است که اساساً مشمول عبور ترانزیتی نیست اما مستلزم آن است. ضمن این که ایران بارها تأکید کرده است در بحرانهای بین‌المللی مربوط به خود قصد ممکن است با مسدود کردن تنگه هرمز، اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار دهد تا از این طریق امنیت ملی خود را نیز حفظ نماید. ، می‌تواند بهای نفت را «بدون حد و مرز» افزایش داده و حتی به بشکه ای ۲۵۰ دلار برساند<sup>۲۹</sup>، زیرا حدود ۳۰ درصد از کل مصرف نفت در جهان، از این تنگه تأمین می‌شود<sup>۳۰</sup>. جدای از این که کنوانسیون دارای تعهدات عام برای همه کشورها (حتی غیرعضو) می‌باشد اما موضوعی که می‌تواند مورد تأکید ایران قرار بگیرد، ماده ۴۱ کنوانسیون است که اجازه می‌دهد دولتهای ساحلی آبراهه‌های دریایی را برای عبور و مرور از تنگه تعیین نمایند. خطوط تفکیک تردد دریایی نیز با توجه به عواملی همچون امنیت دریانوردی و کاهش ضایعات ناشی از برخورد کشتی‌ها با پیشنهاد سازمان بین‌المللی دریایی و توسط کشورهای ساحلی تعیین می‌شود که در تنگه هرمز نیز طرح تفکیک تردد از دو مسیر رفت و برگشت و یک منطقه حایل میان دو مسیر تشکیل شده است؛ بدین ترتیب ورود کشتی‌ها از سمت شمالی تنگه (در همسایگی ایران) و خروج آنها از سمت جنوب (در همسایگی عمان) به طور منظم جریان دارد<sup>۳۱</sup>. البته وجود جزایری همچون جزیره قشم در تنگه هرمز که داخل محدوده دریای سرزمینی ایران می‌باشد نیز با توجه به ماده ۵ قانون اصلاح قانون تعیین حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت ایران نیز کمک کرده تا اساساً در برخی قسمتهای تنگه هرمز، با توجه بند یک ماده ۳۸، حق عبور ترانزیتی اعمال نشود زیرا در مواردی که تنگه از یک جزیره کشور هم مرز تنگه و سرزمین اصلی آن تشکیل شده باشد (یعنی قسمت میان جزیره و سرزمین اصلی) و با توجه به این که راه راحت دیگری نیز وجود دارد، حق عبور ترانزیتی اعمال نخواهد شد و عملاً این امر نیز موجبات ترقی یافتن امنیت ملی ایران را موجب شده است. در پایان باید گفت که اگرچه ایران با توجه به امنیت ملی خود همچنان از تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها اجتناب می‌ورزد اما در عمل، با استفاده از مواد این کنوانسیون و استفاده از آن در قانون



<sup>۲۹</sup> . <http://www.kayhannews.ir> ، ۸۵/۵/۱۴

<sup>۳۰</sup> . روزنامه قدس، ۸۵/۵/۲۵ در <http://www.qudsdaily.com>

<sup>۳۱</sup> . حافظ نیا، محمدرضا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، سمت، تهران، ۱۳۸۴، صص ۴۰۴ - ۴۰۶



مناطق دریایی خود و تعیین مرزها و مناطقی مشابه با مناطق کنوانسیون، سعی می‌کند تا موجبات حفظ شدن امنیت ملی خود را بوجود آورد تا از طرفی از حق و حقوق خود در بهره برداری از مناطقی همچون فلات قاره و منطقه انحصاری و اقتصادی عقب نیافتد و از طرفی همچنان بر خواسته خود مبنی بر عدم ترانزیتی بودن حق عبور کشتی‌ها و بخصوص حضور ناوهای نظامی در منطقه انحصاری اقتصادی خلیج فارس تاکید ورزد تا از این رهگذر، امنیت خود جزایر و صادرات نفت و گاز خود را تضمین بخشد و تحت تاثیر نیروهای بیگانه خارجی قرار نگیرد.

### بخش سوم: جایگاه امنیت ملی در معاهدات سیاسی و نظامی

نباید فراموش نمود که امنیت ملی هر کشوری نسبت به معاهدات مختلف، در زمینه‌های فعالیتی آن معاهدات می‌تواند متفاوت باشد و موجبات بوجود آمدن نقش آفرینی امنیت ملی را بعنوان ابزاری بازدارنده یا حتی بصورت فعالانه به منظور الحاق به آن معاهده، فراهم آورد که بدلیل گسترده بودن حجم اینگونه معاهدات در سطح بین‌المللی و از طرفی رو به تغییر بودن مفهوم کلی امنیت ملی در کشورهای درحال توسعه ای همچون ایران، در این بخش سعی شده است تا به دو نوع از معاهداتی که در زمینه‌های سیاسی و نظامی که از سوی ایران مورد قبول واقع شده (البته در ادوار زمانی مختلف که بحث اول مربوط به دهه اول انقلاب و مبحث بعدی در خصوص مفهوم امنیت ملی ایران در دهه سوم بعد از انقلاب می‌باشد) است اشاره شود تا بطور کلی مفهوم امنیت ملی ایران در مروری گذرا و کلی مورد شناسایی قرار بگیرد تا بتوان چارچوب کلی مفهوم امنیت ملی ایران را نسبت به معاهدات بین‌المللی مورد ارزیابی و نقد قرار داد.

۱. کنفرانس اسلامی: این سازمان دارای منشور و اهداف تاسیسی می‌باشد که طبق ماده ۱۰۲ منشور سازمان ملل در ۱۹۷۴ به ثبت رسید و آغاز به فعالیت نمود و اهدافی را برای خود متصور است که اهم آن اهداف؛ که با مفهوم امنیت ملی ایران در زمان تشکیل (در زمان محمدرضا پهلوی) و حتی در دهه اول انقلاب اسلامی که ایران قصد فعالیت مجدد در این سازمان را بعد از وقفه ای نسبتاً کوتاه داشت، نیز تا حدودی موافق و در یک راستا بوده است و موجب شده است تا ایران از جمله اعضای مؤسس آن بشمار آید، به قرار زیر می‌باشند<sup>۳۲</sup>:

۱. ارتقاء همبستگی اسلامی میان کشورهای عضو.

<sup>۳۲</sup>. موسی زاده، رضا، پیشین، ص ۳۵۳

۲. حمایت از همکاری میان کشورهای عضو در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و دیگر موارد اساسی و مشورت میان کشورهای عضو در سازمان های بین المللی.

۳. تلاش در جهت محو تبعیض نژادی و خاتمه بخشیدن به استعمار در تمام اشکال آن.

۴. اتخاذ تدابیر لازم برای پشتیبانی از صلح و امنیت بین المللی مبتنی بر عدالت.

۵. هماهنگ کردن تلاش ها به منظور حفاظت از اماکن مقدس و آزادسازی آنها و پشتیبانی از مبارزه ملت فلسطین و کمک به این ملت در جهت بازپس گرفتن حقوق [خود] و آزاد نمودن سرزمینش.

۶. پشتیبانی از مبارزه تمام ملل اسلامی در راه حفاظت از کرامت، استقلال و حقوق ملی شان.

۷. ایجاد جوی به منظور ارتقاء همکاری و تفاهم میان کشورهای اسلامی و دیگر کشورها.

همچنین تصمیم گیری در سازمان، براساس رأی گیری اکثریت است اما در عمل، تصمیمات سازمان طی جلسات رسمی، با اجماع اتخاذ می شود.

این اهداف موجب شد تا ایران نیز بعد از انقلاب به روند عضویت خود در این سازمان با توجه به امنیت ملی خود ادامه دهد زیرا مفاهیمی دقیق و صریحی از قانون اساسی ایران نیز بعد از انقلاب<sup>۳۳</sup>، همخوانی زیادی با اهداف سازمان داشت و از طرفی ایران سعی می نمود تا از غالب منزوی بودن و ترد شدگی در سطح جامعه جهانی و بخصوص منطقه ای خارج شود و بیش از پیش با همسایگان و سایر کشورهای اسلامی در سطوح مختلف دیپلماتیکی و کنسولی رابطه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی برقرار نماید تا حتی بصورت غیر مستقیم نیازهای خود را برطرف نماید. لذا در این میان ایران همواره سعی می نموده تا از پتانسیل های مثبت این سازمان همچون بانک توسعه اسلامی که از جمله نهادهای وابسته به این سازمان است نیز استفاده نماید.

بطور کلی در حالی که عضویت در جنبش غیرمتعهد ها بیشترین نفع را بعد از انقلاب عاید کشورمان کرده است<sup>۳۴</sup>، فعالیت دیپلماتیک ایران در سازمان کنفرانس اسلامی از دیگر پیمان های منطقه ای و بین

<sup>۳۳</sup>. بعنوان مثال می توان به اصولی از قانون اساسی ایران همچون اصل ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵ و حتی اصول ۱۴ و بخصوص اصل ۱۱ قانون اساسی که مقرر می دارد: «... همه مسلمانان یک امت اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه اتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد».

<sup>۳۴</sup>. باید به این امر اشاره نمود که هم اینک ایران رئیس دوره ای جنبش غیرمتعهدها می باشد.





المللی چشمگیر تر بوده است. اوج این مسئله به دوران ریاست ایران بر سازمان مذکور برمی گردد که نقطه عطفی در تاریخ سیاست خارجی کشور مان محسوب می شود. در این دوره ایران تلاش کرد تا با توجه به مفهوم امنیت ملی خود، موجبات افزایش کیفیت امنیت ملی ایران را در تراز جهانی بالا ببرد حتی تبعات مثبتی را برای سالیان آینده ایران رقم بزند و اثران در آن دوران تلاش نمود تا سیاست تنش زدایی و رفع سوء تفاهم با کشورهای منطقه و جهان را پیاده نماید. فضای اطمینان و همکاری که طی این مدت ایجاد شده زمینه را برای موفقیت های دیگر از جمله افزایش بهای نفت نیز فراهم آورد. جا افتادن ایده گفت و گوی تمدن ها که یک پرستیژ دیپلماتیک محسوب می شد و تلاش برای ایفای نقش در بحران های بوسنی، کوزوو و افغانستان و نیز اقدام برای همبستگی در جهت مقابله با اسرائیل از دیگر دستاوردهای این دوران بود. ریاست ایران بر سازمان کنفرانس اسلامی از این جهت اهمیت داشت که این کار با وجود به رغم تفکرات خاص کشورمان در مورد امور بین المللی انجام شد. ریاست آقای خاتمی بر این کنفرانس نیز با توجه به افکار سیاسی نوین وی در عرصه داخلی و بین المللی تاثیر قابل توجهی بر سران شرکت کننده در هشتمین اجلاس سازمان بر جای گذارد.<sup>۳۵</sup>

بطور کلی از مفهوم متفاوت امنیت ملی ایران در قبل و بعد از انقلاب و چگونگی استفاده از این سازمان در غالب یک معاهده و سازمانی فرامنطقه ای، اینگونه برداشت می شود که ایران بخوبی توانست چه در قبل و چه در بعد از انقلاب از این سازمان به منظور مانورهای سیاسی و کاهش تبلیغات های منفی بر علیه خودش استفاده کند که نمونه بارز آن قبل از انقلاب، تلاش شاه به منظور یگانه منجی و قدرت نظامی و موثر در منطقه و نشان دادن نقش تاثیر گذار ایران بوده است که همین مهم، در بعد از انقلاب با اندکی تفاوت ادامه پیدا کرد به این صورت که ایران تلاش نمود تا در ابتدا خود را از مزوی بودن سیاسی خارج کند و سپس از مزایای سازمان همچون صندوق توسعه اسلامی با اخذ وام و افزایش امنیت ملی خودش به منظور کسب ریاست دوره ای این سازمان و حتی سازمان های دیگری همچون جنبش عدم تعهد استفاده کند.

۲. پیمان شانگهای: بعد از دهه اول و دوم انقلاب که ایران توانسته بود بتدریج خود را از مزوی بودن خارج سازد و سیاست های تنش زای خود را تعدیل بخشد، امنیت ملی خود را در تعاملات و بازی های بزرگتری و با شریک های تجاری و سیاسی جستجو می نمود تا در غالب آن سازمانها، از

<sup>۳۵</sup> . سازمان کنفرانس اسلامی - اراده مجامع اسلامی منطقه ای و غیر متعهد ها، انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۳، صص ۲۱ - ۵۶.

طرفی امنیت ملی خود را در سطوح نظامی و امنیتی ارتقاء بخش و از طرفی زمینه های همکاری برای مبارزه با مواد مخدر که آثار سوء بسیاری بر علیه کشور داشت را در سطح منطقه ای و بین المللی فراهم آورد تا بمانند گذشته، کمتر متضرر اقدامات تروریستی و مواد مخدری شود و هزینه های کمتری در این خصوص بپردازد و حتی امنیت را در سطح کشور بصورت نهادینه درآورد و از طرفی موجبات کاهش تبلیغات جنگی آمریکا و اسرائیل را بر علیه ایران فراهم آورد. این امور موجب شد تا ایران به پیمان شانگهای بپیوندد و بعنوان ناظر این سازمان درآید. از طرفی این سازمان نیز دارای اهدافی است که با مفهوم امنیت ملی ایران در یک سمت و سو قرار دارد که مهم ترین اهداف و وظایف سازمان همکاری شانگهای طبق مفاد عبارتند از<sup>۳۶</sup>:

- تقویت اعتماد، دوستی و حسن همجواری متقابل بین دولت های عضو
- تحکیم همکاری های منظم در ایجاد و تقویت صلح، امنیت و ثبات در منطقه و ارتقای یک نظم بین المللی اقتصادی و سیاسی عقلایی نوین بر پایه دموکراسی، عدالت و عقلانیت
- مقابله مشترک با تروریسم، جدایی طلبی و افراط گرایی در تمامی اشکال آن، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و حمل و نقل سلاح و سایر فعالیت های مجرمانه فراملی و همچنین مهاجرت غیر قانونی
- تشویق همکاری کار آمد منطقه ای در حوزه هایی همچون: سیاست، تجارت و اقتصاد، دفاع، اجرای قوانین، حفاظت محیط زیست، فرهنگ، علوم و فن؛ اعتباری و سایر حوزه های مورد علاقه
- تسهیل رشد فراگیر و متوازن اقتصادی، توسعه اجتماعی و فرهنگی در منطقه از طریق اقدام مشترک بر اساس مشارکت برابر بمنظور دستیابی به رشد پایدار شاخص های زندگی و توسعه وضعیت زندگی مردم تسهیل رشد فراگیر و متوازن اقتصادی، توسعه اجتماعی و فرهنگی در منطقه از طریق اقدام مشترک بر اساس مشارکت برابر بمنظور دستیابی به رشد پایدار شاخص های زندگی و توسعه وضعیت زندگی مردم کشورهای عضو؛
- هماهنگی شیوه ها برای همگرایی در اقتصاد جهانی؛
- بهبود وضعیت حقوق بشر و آزادی های اساسی در انطباق با تعهدات بین المللی دولت های عضو و قوانین ملی آنها
- حمایت و توسعه روابط با سایر دولت ها و سازمان های بین المللی

<sup>۳۶</sup> . اساسنامه پیمان همکاری شانگهای، ماده ۱





- همکاری در پیشگیری از درگیری های بین المللی و حل و فصل صلح آمیز آنها.

البته نباید این امر را فراموش نمود که پیمان همکاری شانگهای که دارای سند معاهده ای موسسی است، در سایر مواد اساسنامه خود نیز بر اصول و مسائل مختلفی اشاره نموده است که همه آن امور می توانند در صورت اجرا، زمینه های افزایش همکاری بین اعضاء را فراهم آورد (ماده ۳) و حتی در دراز مدت موجبات نقش آفرینی بیش تر این سازمان شود و حتی موجبات رویارویی در مقابل ناتو را نیز بوجود آورد تا امنیت کشورهای هم پیمان با اعضای پیمان نظامی و اقتصادی شانگهای، بهتر تضمین و رعایت شود.<sup>۳۷</sup> امری که می تواند در زمینه فعالیت سازمان همکاری شانگهای از جمله شاخصه های مثبت این نهاد نسبت به سایر نهادهایی که ایران به عضویتشان درآمده این است که سازمان از حقوق یک شخص حقوقی برخوردار است و بویژه میتواند<sup>۳۸</sup>:

- عضو معاهدات شود

- امکان مالکیت اموال منقول و غیرمنقول و عزل آنها را داشته باشد

- به عنوان طرف دعوی در دادگاه حاضر شود

- حساب بانکی باز کند و امکان جابجایی پول داشته باشد؛ که این صلاحیت ها، موجبات نقش آفرینی و تحرک بیشتر سازمان شانگهای را در میان سطوح منطقه ای و جهانی فراهم می آورد و عملاً امنیت ملی کشورهای عضو را نیز به یکدیگر گره می زند و زمینه ساز برقراری ثبات و بوجود آمدن نوعی امنیت دسته جمعی در تقابل با ناتو و حتی اتحادیه اروپا و آ.سه. آن را موجب می شود، که این امر در دراز مدت می تواند بسیار مهم و راهبردی باشد.

### نتیجه گیری

در نتیجه گیری این پژوهش باید گفت ایران نیز به مانند هر کشور دیگری، با توجه به رویکردهای خاص سیاسی و فرهنگی خود در ادوار مختلف سعی کرده است تا به شناسایی معاهدات مختلف در سطح جهانی، اقدام به پذیرش و یا عدم پذیرش بسیاری از معاهدات بکند، که با توجه بررسی دلایل پذیرش یا عدم پذیرش برخی از معاهدات که بدان ها اشاره شد، اینگونه برداشت می شود که امنیت ملی ایران در دهه های بعد از انقلاب اسلامی به سمت هم اندیشی و خردگرایی بیش تری پیش رفته است و توانسته با الحاق به معاهدات مختلف در سطوح منطقه ای و جهانی (و حتی دوجانبه) امنیت ملی

<sup>۳۷</sup> . لازم به ذکر است که ایران از سال ۲۰۰۵ تا کنون عضو ناظر این سازمان است.

<sup>۳۸</sup> . [www.HaghGostar.ir](http://www.HaghGostar.ir) ، ۱۳۹۱



خود را تضمین بخشد و موجبات ارتقای آن را با توجه به واقعیات و نیازهایش فراهم آورد. لذا اینگونه به نظر می‌رسد که ایران در غالب معاهدات سعی می‌کند تا به مانند سایر کشورها، مفاهیم خود از امنیت ملی و نیازهایش و برنامه‌های راهبردی‌اش را در اولویت قرار دهد و ابتدا تلاش نماید تا معاهدات مختلف را از فیلتر امنیت ملی خود رد کند که این حساسیت در قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

بنابراین نمی‌توان گفت که با توجه به بررسی صورت گرفته نسبت به چند مورد از معاهداتی که بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ ایران با آن درگیر بوده است، مفهوم امنیت ملی ایران در غالب تعامل با حقوق معاهدات را به خوبی مورد ارزیابی و شناخت قرار داده ایم. بلکه این موضوع را مورد شناسایی و ارزیابی قرار داده ایم که ایران دارای مفهومی جدید از امنیت ملی را در سطح منطقه به علت وجود ایدئولوژی خاص حاکم بر سطوح اول مدیریتی و ریاستی کشورش بوجود آورد و از طرفی نوع نظام دینی حاکم بر سطح قوانین و مدیریت ایران نیز بر این مهم بی‌تأثیر نبوده است. لذا در این پژوهش نگاهی گذرا به مفهوم امنیت ملی شد تا بتوان علت پذیرش یا عدم پذیرش ایران را بطور کلی شناسایی نمود و از طرفی سیر تدریجی تغییر مفهوم امنیت ملی ایران را مورد اشاره قرار داد اما اینگونه به نظر می‌رسد که مفهوم امنیت ملی ایران با توجه به مقتضیات روز کشور ایران و حتی منطقه و دنیا در آینده بازهم شاهد انعطاف در به عضویت درآمدن به برخی دیگر از معاهدات در سطوح مختلف خواهد بود.





## منابع و مأخذ

### الف : فارسی

۱. رضائی، روح الله، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی، چاپ پنجم، ۱۳۸۶
۲. احمدی، حمید، قومیت و قوم گرایی در ایران، تهران، نشر نی، چاپ نهم، ۱۳۹۱
۳. موسی زاده، رضا، سازمان های بین المللی، تهران، نشر میزان، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۸
۴. قادری، علی، گفتگوی تمدنها و تاثیر آن در صلح جهانی، ندای جمعیت، جلد دهم، شماره سی و چهارم، پاییز ۱۳۸۰
۵. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، انتشارات بوستان کتاب، چاپ یازدهم ۱۳۸۸
۶. علامه طباطبایی، حسین، تفسیر المیزان، قم، انتشارات دارالاسلام، جلد ۴، ۱۳۹۰
۷. سیمبر، رضا، تحول در نظام بین الملل و کار ویژه های ملت - دولت، فصلنامه سیاست خارجی
۸. دولتیار، مصطفی، رژیم حقوقی تنگه های بین المللی - با تأکید بر مسائل حقوقی تنگه هرمز، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۲
۹. حافظ نیا، محمدرضا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران، سمت، ۱۳۸۴
۱۰. چرچیل، رابین - لو، آلن، حقوق بین الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی، تهران، گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۹۰
۱۴. کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض و خشونت علیه زنان
۱۵. اساسنامه پیمان همکاری شانگهای
۱۷. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران
- 18 . Martin, Crereld van, "The transformtion of war", New York, *The free Press*, vol 2 , 1991
- 19 . Evan, Luard, *The Globalization of politics: The changed focas of Political Action in the modern world*, Macmillan, 1990
- 20 . Alexander, kiss, and Shelton, Dinah, *International Environment law*, New York, Transnational Publishig, Co, 1997